جایگاه صنعت ضبط در سیاست فرهنگیِ دورهٔ پهلوی اول[1]

کیوان آقا محسنی

سیاست فرهنگی، ابزار اعمال قدرت حکومت‌ها در حوزهٔ فرهنگ است. اینکه از این ابزار چگونه استفاده می‌شـود، بسیار وابسته به فرهنگ سیاسی حاکم بر آن جامعه است. در نیمهٔ اول قرن بیستم، نگاه ابزاری و کنترلی نسبت به مقولهٔ فرهنگ، نگاهی غالب بود. در سال ۱۹۱۹ وزیر وقت فرهنگ آلمان، کارل هاینریش بکر، سیاست فرهنگی را این‌گونه تعریف می‌کند:« به کارگیری آگاهانهٔ ارزش‌های مختلف معنوی در خدمت مردم و حکومت به منظور تثبیت داخلی و مقابله با ملل بیگانه.»[2]

گفته‌های این وزیر آلمانی به خوبی نشـانگر ویژگی‌های سیاسـت فرهنگی در نیمهٔ اول قرن بیسـتم به شرح زیر است:

۱. سیاست فرهنگی، یک سیاست حکومتی محسوب می‌شد.

۲. سیاسـت فرهنگی ارزش‌های معنوی را به خدمت می‌گرفت. منظور از ارزش‌های معنوی، زمینه‌های مختلف فرهنگی اسـت که به صورت سنتی از اواخر قرن نوزدهم، دین، علم، زبان، هنر، رسانه‌های عمومی و سیستم آموزشی را شامل می‌شد.[3]

۳. سیاسـت فرهنگی، وظایف مشخصی داشت: ایجاد مشروعیت و وفاداری در توده‌ها نسبت به حکومت

---

۱. با سـپاس فراوان از خانم دکتر الهام ملک‌زاده ، عضو هیئت علمی پژوهشـکده تاریخ، بابت اشـارات ارزنده شان در دسـتیابی به مسـتندات تاریخی وآقای مهندس امیر منصور و موزهٔ موسیقی ایران به سبب در اختیار نهادن برخی منابع صوتی.

2 . Wolfgang Reinhard, Geschichte der Staatsgewalt (München 1999), 88.

3 . Max Fuchs, Kulturpolitik (Wiesbaden 2007), 25.

به منظور تثبیت داخلی موقعیت سیاسی حکومت و ایجاد حس ملی‌گرایی به قصد مقابله با بیگانگان.

در واقع دولت از طریق سیاست فرهنگی به دنبال تأثیرگذاری در عرصه‌های مختلف فرهنگ، از جمله هنر برای ایجاد مشروعیت بین توده‌های مردم بود. این نگاه ابزاری و کنترلی، تقویت پدیدهٔ سانسور را به دنبال داشت. سانسور، یکی از ارکان اصلی سیاست فرهنگی در نیمهٔ اول قرن بیستم بود که این موضوع خود را در صنعت ضبط ایران نیز نمایان ساخت، اما سانسور در موسیقی سابقه‌ایی دیرینه دارد که در ابتدا مختصری به ابعاد این موضوع پرداخته می‌شود.

ریشهٔ سانسور در موسیقی به دنیای کهن باز می‌گردد. از جمله در یونان، روم، مصر و چین به نمونه‌هایی از اعمال سانسور بر می‌خوریم. این واقعیت که در دنیای کهن سانسور در مورد موسیقی اعمال می‌شده، نشان‌دهندهٔ اهمیت موسیقی در آن جوامع است. کنفسیوس دربارهٔ اهمیت اجتماعی موسیقی چنین می‌نویسد: «ارکان یک جامعه احساسات مردم آن جامعه را در مسیر درستی هدایت می‌کنند. موسیقی در جامعه هم‌صدایی ایجاد می‌کند، حکومت به رفتارها نظم می‌بخشد و مجازات‌ها جنایات را از بین می‌برند. وقتی موسیقی، حکومت و مجازات در یک جامعه به خوبی عمل کنند، پایه‌های نظم اجتماعی در آن جامعه تامین شده است.»[1]

سقراط دربارهٔ موسیقی چنین می‌نویسد:«هیچ‌گاه مدها در موسیقی تغییر نمی‌کنند، بدون آنکه مهم‌ترین قوانین حکومتی تغییر کنند.»[2] سقراط در این عبارت به رابطهٔ تغییرات موسیقایی و تغییرات سیاسی در جامعه اشاره می‌کند و تغییرات موسیقایی را زمینه‌ساز تغییرات سیاسی و بالعکس تلقی می‌کند. وجود این دیدگاه‌ها نسبت به اهمیت موسیقی در جامعه، موجب شد که بسیاری از دولت‌ها به سمت نظارت بر موسیقی پیش بروند. از جمله در زمان امپراطوری «وو» (۸۷-۱۵۶ ق. م) اداره‌ای در دربار برای کنترل و نظارت بر فعالیت‌های موسیقایی تشکیل شد.

از نخستین متفکرانی که نگاه حذفی و ابزاری نسبت به موسیقی در آثارش منعکس شده، افلاطون است. او به تقسیم‌بندی مدها بر مبنای استفاده‌های سیاسی و تربیتی آنها می‌پردازد. به طور نمونه او مخالف به کارگیری مُدهای ایونین و لیدین بود، چرا که آنها را موجب تضعیف روحیهٔ جنگجویی مردان می‌دانست.[3] ارسطو در مقایسه با افلاطون، نگاه آزادتری داشت و ضرورت وجود فضای آزاد و تنوع را در فضای موسیقی توجیه می‌کرد.[4]

یکی از مهم‌ترین ارکان اعمال سانسور در طول تاریخ، نهاد کلیسا بوده است. کلیسا پیروانش را از موسیقی‌های غیر عبادی بر حذر می‌داشت، به همین دلیل بود که استفاده از ساز همراهی کننده و آواز زنان، برای اجرای «آواز گریگوری» را ممنوع اعلام کرد، چرا که هر دو از نظر کلیسا به عنوان سمبل‌های نفس

1. Stephan Eisel, Politik und Musik (München 1990), 16.
2. Eisel, Politik, 16.
3. Olaf Gigon, Platon: Der Staat (Zürich, München 1973), 398-399.
4. Eisel, Politik, 18.

اماره شناخته می‌شدند.[1]

نمونه‌های فراوانی از انجام سانسور در موسیقی توسط کلیسا وجود دارد. ممنوعیت اجرای اپراهای ویوالدی در سال ۱۷۳۷ میلادی از جمله آنهاست. کلیسا با این توجیه که ویوالدی به عنوان یک کشیش در آثارش خیلی به موضوع‌های دنیوی پرداخته، از اجرای اپراهای او جلوگیری کرد. در سال ۱۹۰۳ پاپ پیوس دهم کتابچهٔ قوانینی برای موسیقی کلیسا صادر کرد که در آن تصریح شده بود هرچه آثار مقدس‌تر، به همان اندازه به معیارهای آواز گریگوری نزدیک‌تر است. او خواستار جلوگیری از گسترش مفاهیم دنیوی در موسیقی کلیسا شد. نمونهٔ دیگر برمی‌گردد به دههٔ ۲۰ قرن بیستم، سال ۱۹۲۶، زمانی که شهردار وقت، کلن کنراد آدناور به درخواست کلیسای کاتولیک کلن از ادمهٔ اجرای باله «نارنگی شگفت‌انگیز» اثر بلا بارتوک جلوگیری کرد، چرا که به عقیدهٔ کلیسا محتوای این اثر، آلوده به فحشا بود. [2]

ریشهٔ دیگر سانسور به رابطهٔ سیاست فرهنگی طرح شده توسط حکومت‌ها و موسیقی باز می‌گردد. نگرشی که سیاستگذار فرهنگی نسبت به موسیقی دارد، خود یکی از عوامل شکل‌گیری سانسور است. در این بین سلیقهٔ سیاستگذاران نقش مهمی ایفا می‌کند. به طور نمونه کلودیو مونته وردی در سال ۱۶۱۲ مجبور به ترک کاخ اشراف زاده‌ای شد که نزد او فعالیت می‌کرد، چرا که بعد از مرگ این اشراف‌زاده، جانشینش اعتقادی به سبک اپرا که وردی بنیانگذار آن بود، نداشت. دربار پادشاهی در فرانسه در نیمهٔ قرن هجدهم، به دنبال اجرای فرم کمدی اپرا به نام بوفا که ریشه‌ای ایتالیایی داشت، به دو گروه مخالفان و موافقان تقسیم شد. مخالفان این فرم را تهدیدی برای سنت اپرای فرانسوی و محتوای آن را ضد سلطنت ارزیابی کردند[3]

با این پیش‌زمینهٔ تاریخی در این قسمت به طور مختصر شکل‌های مختلف سانسور تبیین می‌شود. سانسور دو شکل عمده می‌تواند داشته باشد:[4]

۱. سانسور کلیهٔ افراد حاضر در فعالیت موسیقایی

۲. سانسور تولید موسیقایی

افراد حاضر در فعالیت موسیقایی، اعم از آهنگساز، نوازنده، خواننده، رهبر ارکستر و مخاطب بر اساس معیارهایی می‌توانند دچار سانسور شوند. توجه به مخاطب در موسیقی وقتی اهمیت پیدا می‌کند که به موسیقی به عنوان موضوعی منفرد و انتزاعی نگاه نشود، بلکه موسیقی به عنوان یک مقولهٔ اجتماعی که انسان‌ها به واسطهٔ آن با هم در ارتباط هستند، نگریسته شود. بر این اساس تنها توجه به ویژگی‌های فنی یک موسیقی برای شناخت آن کافی نیست، بلکه نوع پذیرش آن موسیقی در میان مخاطب، امری مهم‌تر در شناخت آن تلقی می‌گردد. در واقع معنای حقیقی موسیقی در اجزای تشکیل دهندهٔ آن نهفته نیست،

1. Eisel, Politik, 18.
2. Bernhard Bremberger, Musikzensur (Berlin 1990), 18.
3. Eisel, Politik, 21.
4. Bremberger, Musikzensur,10.

بلکه در واکنشی است که در میان مخاطبان خود بر می‌انگیزد.

«این سـؤال که اثر موسـیقی چه معنا و ویژگی‌هایی دارد، سـؤال کاملی به نظر نمی‌رسـد، بلکه سؤال جالب‌تر این می‌تواند باشـد که این اثر موسـیقی وقتی در این زمان و مکان خاص و با این عوامل اجرایی و مخاطبان اجرا می‌شـود، چه معنایی پیدا می‌کند؟ اینکه خود موسـیقی به لحاظ فنی دارای چه ویژگی‌هایی هست، بخش مهمی از معنای یک اثر موسیقی است، ولی تمام معنای آن نیست.»[1]

افراد بر اسـاس عقاید سیاسی، مذهب، جنسـیت و نژاد دچار سانسور می‌شوند. بهترین نمونه از این نوع سانسـور که با دوره تاریخی مورد بحث این مقاله نیز هماهنگی دارد، حذف بخشـی از موسـیقی‌دانان در دورهٔ حکومت نازی‌ها در آلمان است. در این دوره موسیقی‌دانان و موسیقی‌شناسانی همچون هورن بوستل به علت ریشـه‌های اعتقادی یهودی یا داشـتن نژاد غیر آریایی از ادامهٔ فعالیت منع شـدند.[2] در اول آوریل سـال۱۹۳۳، یازده رهبر ارکسـتر برجسـته آن دوران آلمان در تلگرافی اعتراضی به هیتلر، اعتراض خود را نسبت به ممنوعیت فعالیت موسیقی‌دانان یهودی در آلمان بیان کردند. این نامه اعتراضی آنها بی‌پاسخ نماند، به طوری‌که سـه روز بعد دستور داده شده کلیه صفحه‌های گرامافون ضبط شده توسط آنها جمع‌آوری شود و فرستنده‌های رادیویی نیز از پخش آثار آنان منع شدند.[3]

شکل دوم سانسور تولید موسیقایی را هدف می‌گیرد. این نوع سانسور در سه شکل محقق می‌شود:

۱. سانسور متن؛

۲. سانسور ساختار موسیقایی و

۳. سانسور سازهای موسیقی

سانسور ساختار موسیقایی شامل منع استفاده از مدها، فرم‌ها، گونه‌ها و کلیهٔ عوامل سازندهٔ موسیقی است. ممنوعیت موسـیقی آتنال در دورهٔ حکومت نازی‌ها در آلمان[4] یا ممنوعیت موسـیقی راک اند رل در آلمان شـرقی با این توجیه که این موسـیقی به عنوان سلاح نظام سرمایه‌داری عمل می‌کند، نمونه‌های خوبی از این نوع سانسور به حساب می‌آیند.

آتش زده شـدن سازهای غربی در لیبی بعد از به قدرت رسیدن معمر قذافی در سال ۱۹۶۹ با این توجیه که سازهای غربی به میراث فرهنگی عرب تعلق ندارند، نمونه‌ای از سانسور سازهای موسیقی است.[5]

با این مقدمه به بررسی جایگاه صنعت ضبط در سیاست فرهنگیِ دورهٔ پهلوی اول و تحلیل سانسورهای اعمال شـده در این حوزه پرداخته می‌شـود. سیاست فرهنگی را می‌توان از سه زاویه بررسی کرد: ۱. جایگاه فرهنگ در قانون اساسـی و مجموعه قوانین و مقررات کشـوری؛ ۲. نهادهـای دولتی و غیر دولتیِ مرتبط

1. Christopher Small, Musicing: the meanings of performing and listening (Hannover 1998), 10.
2. Fred K. Prieberg, Musik im Ns-Staat (Frankfurt am Main 1982), 43.
3. Eisel, Politik, 36.
4. Bremberger, Musikzensur,11.
5. Max Peter Baumann, Anthropologie der Musik (Würzburg 2000), 14.

با فرهنگ؛ ۳. تئوری‌های فرهنگی که توسط نظریه‌پردازان مطرح می‌شوند. در این مطلب جایگاه صنعت ضبط درسیاست فرهنگیِ ایران در دوره پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴) از دو زاویهٔ اول و دوم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

با بررسی مجموعه قوانین و مقررات کشوری در دورهٔ پهلوی اول این نکته مشخص می‌شود که مجلس شورای ملی به عنوان نهاد قانون‌گذاری در کشور، قانونی در مورد صفحه‌های گرامافون تصویب نکرد، اما دولت در این زمینه اقدام به وضع مقرراتی نمود. در مجموع مقررات مربوط به صنعت ضبط را به دو دسته می‌توان تقسیم نمود:

۱. مقررات مربوط به ضبط صفحه در ایران

۲. مقررات مربوط به ورود صفحه به ایران

مقررات ضبط صفحه در ایران

اولین بار در سال ۱۳۰۷ توسط اداره کل شهربانی نظامنامه‌ای برای ضبط صفحه در ایران تهیه شد که در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۰۷ به تصویب هیئت وزیران رسید و مهدی‌قلی هدایت نخست وزیر موسیقی‌دان آن دورانِ حکومت پهلوی هم آن را امضا نمود. وی در فاصله سال‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۲ نخست وزیر بود. دوران نخست وزیری او در واقع دوران تثبیت قدرت رضا شاه بود. بسیاری از مراحل مدرنیزاسیون موسیقی ایرانی مانند تشکیل مدرسهٔ دولتی موسیقی و تصویب آموزش عمومی موسیقی در مدارس در دوران صدارت وی انجام شد. وی خود با موسیقی ایرانی آشنایی کافی داشت و در این زمینه صاحب دو اثر ارزنده است. یکی از آنها نت‌نگاری رپرتوار موسیقی ایرانی بر اساس اجرای مهدی خان صلحی از بهترین شاگردان میرزا عبدالله، موسیقی‌دانان برجسته ایران در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است و دیگری کتابی به نام «مجمع الادوار» که در آن هدایت به بیان اندیشه‌های موسیقی‌شناسان قدیم حوزهٔ موسیقی ایرانی، عربی و ترکی مانند فارابی، صفی‌الدین ارموی و عبدالقادر پرداخته است.[۱]

این نظامنامه حاوی یک مقدمه و پنج ماده است.(تصویر ۱)[۲] برای اولین بار در کتاب *دولت و فرهنگ در ایران* درباره محتوای این نظامنامه صحبت شده است.[۳]

نکته قابل توجه این است که اولین مقررات در مورد صفحه، نه توسط نهادهای فرهنگی، بلکه به وسیلهٔ نهاد امنیتی همچون ادارهٔ شهربانی تدوین شد. در ادامه ریشه‌های این موضوع بیشتر بررسی خواهد شد.

در مقدمه شهربانی به بیان دغدغه‌های خود در مورد ضرورت وجودیِ چنین نظامنامه‌ای می‌پردازد. این دغدغه‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم بندی کرد:

۱. خالقی، روح الله، *سرگذشت موسیقی ایران*، تهران ۱۳۸۹، ص۸۲-۸٤ .

۲. سند شماره۲۹۳/٤٥٤٥- ۲۱۸غ ٤ب آ۱ آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

۳. اکبری، محمدعلی، *دولت و فرهنگ در ایران (۱۳۰٤ - ۱۳۵۷ شمسی)*، تهران ۱۳۸۲، ص ۱۵۹.

۱. گسترش روز افزون رسانه صفحه در جامعه ایران؛
۲. کیفیت ارائه شده از موسیقی ایرانی در این رسانه و
۳. مسایل امنیتی

پلیس اولین دلیل برای ضرورت وجود چنین نظامنامه‌ای را گسترش روز افزون صفحه و گرامافون در جامعه و اقبال مردم نسبت به آنها بیان می‌کند. در ادامه دغدغهٔ خود را از این منظر که موسیقی ایرانی با کیفیت عرضه شود، بیان می‌کند. اشاره‌اش دربارهٔ تعهد موسیقی‌دانان درجه یک به شرکت‌های صفحه پرکنی برمی‌گردد به قراردادی که قمرالملوک وزیری و ملوک ضرابی با شرکت پلیفون آلمان در سال ۱۳۰۶ امضا کردند که به موجب آن، امکان ضبط نزد شرکت‌های دیگر را تا سه سال یعنی ۱۳۰۹ نداشتند. تا اینجا دغدغه‌هایی که بیان شد، کاملاً فرهنگی است که علی‌القاعده نباید در اولویت وظایف پلیس قرار می‌داشت. دغدغه دیگر از جنس فرهنگ نیست، بلکه کاملاً امنیتی است، چرا که پلیس به دنبال کنترل اشعار ضبط شده است؛ البته برخورد امنیتی با صفحه با این نظامنامه آغاز نشد، بلکه این موضوع برمی گردد به ضبط‌های ۱۳۰۵ شرگت گرامافون در تهران. در میان آثار ضبط شده در این دوره از ضبط‌ها دو صفحه وجود داشت که به لحاظ محتوایی مورد اقبال حکومت واقع نشد و در نتیجه توسط پلیس جمع‌آوری شد. هر دو صفحه توسط قمرالملوک وزیری اجرا شدند. یکی از این صفحه‌ها به شماره AX379 به نام تصنیف ماهور دارای شعری از میرزاده عشقی است.[۱] وی که از مخالفان رضاخان محسوب می‌شد، دو سال قبل از ضبط این اثر، به طرز مشکوکی کشته شد که خیلی از مورخین آن را به نیروهای دولت که در زمان رضا خان نخست وزیر آن بود، نسبت می‌دهند. صفحه دیگر به شماره AX385، در برگیرندهٔ یکی از تصنیف‌های عارف با عنوان «دست حق پشت و پناهت باز آ» است که در ستایش سید ضیاءالدین طباطبایی است.[۲] اینکه در مقدمه این نظام‌نامه ذکر شده که پلیس به پاره‌ای جهات موظف به کنترل اشعاری است که در صفحه خوانده می‌شود، احتمالاً معطوف به همین تجربه باشد. بعد از مقدمه پنج ماده اصلی ذکر می‌شود که به طور اختصار مطالب زیر را در بر می‌گیرند:

۱. کسب مجوز توسط شرکت‌های تولید صفحه برای نمایندگی خود در ایران و هنرمندانی که برای ضبط‌ها انتخاب می‌شوند.
۲. ضبط صفحه‌ها با حضور نمایندهٔ شهربانی
۳. ذکر نام دستگاه‌ها و اشعاری که ضبط می‌شوند، در قراردادِ بین هنرمندان و شرکت‌های تولید صفحه و ارائهٔ این قرارداد به شهربانی.
۴. اطلاع شهربانی از برنامهٔ زمانیِ انجام ضبط.
۵. در صورت تخلف از موارد مطرح شده، متخلفین به دادگاه معرفی می‌شوند.

---

۱. امیر منصور، *دیسکوگرافی قمر الملوک وزیری*، صفحه سنگی شماره ٤، ١٣٨٤، ص٨ .
۲. امیر منصور، *دیسکوگرافی*، ۸.

با بررسی این مواد این نکته مشخص می شود که آنها بیشتر دغدغه امنیتی را مورد توجه قرار داده‌اند و دغدغه‌های دیگرهمچون کیفیت موسیقایی، خیلی مورد نظر واقع نشده‌اند.

مقررات ورود صفحه به ایران

مقررات مربوط به ورود صفحه به ایران به بخشنامه‌ای باز می‌گردد که در ۲۶ تیرماه ۱۳۱۰ در هیئت دولت تصویب شد و در ۲۷ تیرماه توسط وزارت داخله (کشور) به شهربانی ابلاغ شد.(تصویر۲)[۱]

اداره محترم کل تشکیلات نظمیه

راجع به صفحات گرامافون در هیئت محترم وزرای عظام، مذاکره و مقرر شد صفحات گرامافون را به هر زبان باشد، نظمیهٔ شهرها در تحت تفتیش قرار دهد، هر کدام که اخلاقاً یا سیاستاً مضر باشد از انتشار آن ممانعت شود، قدغن نمایند. در همین زمینه به نظمیه‌های ولایات و ایالات دستور بدهند که مراقبت به عمل آورده و با اطلاع حکومت محلی اقدام نمایند.

این بخشنامه دارای ابهاماتی است چرا که معیار صفحه‌های اخلاقی و سیاسی مضر بیان نشده است؛ البته در مورد صفحه‌های سیاسی می‌توان حدس زد منظور صفحاتی بودند که به لحاظ محتوایی در تقابل با سیاست‌های حکومت وقت بودند. برای درک بهتر این بخشنامه، به بررسی مسیر طی شده برای تصویب آن می‌پردازیم. نقطهٔ آغاز این بخشنامه، به نامه‌ای مربوط می‌شود که کنسولگری ایران در بصره به وزارت خارجه ارسال کرد. (تصویر ۳)[۲] در ابتدا کنسولگری ایران، نگرانی خود را از بابت اینکه در مناطق عرب زبان ایران، صفحات عربی شنیده می‌شود، ابراز می‌دارد.

یکی از مهم‌ترین محورهای سیاست فرهنگی دوره پهلوی اول، گسترش ناسیونالیسم بود که از مؤلفه‌های اصلی آن تقویت زبان فارسی در برابر زبان سایر اقوام ایرانی است.[۳] نگرانی کنسولگری ایران از تقویت زبان عربی در مناطق عرب زبان ایران را در راستای همین سیاست باید تفسیر کرد. در ادامه، کنسولگری ایران طرحی نیز ارائه می‌دهد و خواستار ممنوعیت ورود صفحه‌های کلامی غیر فارسی به ایران یا حداقل تصویب عوارض گمرکی بالا برای آنها می‌شود. خود این موضوع نشان می‌دهد که صنعت ضبط در آن دوران دارای متولی مشخصی میان نهادهای فرهنگی نبوده، به طوری‌که نهادهایی چون پلیس و وزارت خارجه نیز در مورد آن دخالت می کردند.

بر اساس این نامه، وزارت خارجه در تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۱۰ نامه‌ای به وزارت کشور می‌فرستد و مراتب را به اطلاع آنها می‌رساند. (تصویر ۴)[۴] سپس این مسئله از طریق وزارت کشور در جلسه هیئت دولت طرح

۱. سند شماره ۲۹۳/٤٥٤٤– ۲۱۷غ٤ب آ ۱ آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران
۲. سند شماره ۲۹۳/٤٥٤٤– ۲۱۷غ٤ب آ ۱ آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
۳. ذاکر اصفهانی، علیرضا، *فرهنگ و سیاست ایران در عصر تجدد*، تهران، ۱۳۸٦، ۱٥٤.
٤. سند شماره ۲۹۳/٤٥٤٤– ۲۱۷غ٤ب آ ۱ آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

می‌شود و منجر به صدور بخشنامه فوق می‌گردد.

در واقع چنان‌که در مورد بخشـــنامه مربوط به تولید صفحه در ایران نگاه امنیتی و سیاســـی حاکم بود، در مورد ورود صفحه به ایران نیز این نگاه حاکم بود و باز هم پلیس مسئول این کار بود. نکتهٔ قابل توجه این اســـت که بر خلاف پیشـــنهاد وزارت خارجه که خواســـتار جلوگیری یا شرایط سخت ورود هر گونه صفحات کلامی غیر فارســـی به ایران شده بود، چنین پیشـــنهادی در هیئت دولت تصویب نشد، بلکه این بخشنامه، شـــامل تمام صفحات، به هر زبانی می شـــدند. در این قسمت با توجه به اسناد موجود به نمونه‌هایی از نتایج این بخشنامه و چگونگی اجرای آن می‌پردازیم.

بر اســـاس اســـناد موجود، در اول آبان سال ۱۳۱۶ در گمرک آســـتارا نزد سه مسافر هنگام ورود ۳۰ عدد صفحه کشف شد. این صفحه‌ها در اداره گمرک با حضور نمایندهٔ شهربانی و صاحبان صفحه‌ها بررسی شد و هفت عدد از آنها به لحاظ سیاسی مضر تشخیص داده و به شهربانی تحویل داده شدند.(تصویر۵)[۱] در واقع با همکاری گمرک و شهربانی در مرزهای ورودی کشور این بخشنامه اجرا می شد. در ارتباط با نحوهٔ برخورد پلیس با این صفحه‌های جمع‌آوری شده، سندی در دسترس نیست، ولی به نظر می‌رسد پلیس طرحی برای نگهداری آنها نداشـــته و صفحه‌ها از بین می‌رفتند. با توجه به اینکه این صفحه‌ها در مرز آســـتارا جمع‌آوری شده و مسافران از شوروی وارد ایران شده بودند، می‌توان حدس زد که چرا به لحاظ سیاسی مضر تشخیص داده شـــدند. چند ماه قبل از این در اردیبهشـــت ۱۳۱۶« پلیس ۵۳ نفر را به اتهام تشـــکیل ســـازمان مخفی اشتراکی، انتشار بیانیه ماه مه(روز کارگر)، سازماندهی اعتصابات دانشکده فنی و کارخانه نساجی اصفهان و ترجمه کتاب‌هایی مانند کاپیتال مارکس و مانیفست کمونیست، دستگیر کرد.»[۲]

در آن ایام حساسیت سیاسی نسبت به اندیشه‌های کمونیستی و سوسیالیستی بالا بود. حکومت پهلوی که کمونیسم را خطری برای خود می‌دید، پیش از این در ۱۰ تیرماه ۱۳۱۰ قانونی با عنوان «پاسداری از امنیت ملی» به تصویب مجلس شورای ملی رسانده بود که بر مبنای آن افرادی که مرام کمونیستی و سوسیالیسم را تبلیغ می‌کردند، به ده ســـال زندان محکوم می‌شـــدند.[۳] تصویب این قانون درســـت چند روز قبل از صدور بخشـــنامهٔ دولت در ۲۶ تیرماه ۱۳۱۰ برای ورود صفحه به ایران، به خوبی نشـــان‌دهندهٔ جو سیاسی‌ای است که در آن، این بخشـــنامه برای جلوگیری از انتشـــار صفحه‌های به لحاظ اخلاقی و سیاسی مضر به تصویب هیئت دولت رسید.

در مورد صفحه‌های غیر اخلاقی، معیار مشخصی تعریف نشده بود و در نتیجه در مورد آن احتمالاً خیلی ســـلیقه‌ای برخورد می‌شد. در میان اســـناد موجود، تنها یک سند یافت شد که به این موضوع پرداخته است. (تصویر۶)[۴] آن ســـند در برگیرندهٔ نامه‌ای اســـت که حکومت فارس در تاریخ ششم شهریور ۱۳۱۰ به وزارت

۱. سند شماره ۲٤۰/٤۲۷ –۳آ٤۰٦آ آ۱ آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
۲. آبراهامیان، یرواند، *ایران بین دو انقلاب* (تهران۱۳۷۷)،۱۹۳.
۳. همان، ص۱۹۲.
٤. سند شماره ۲۹۳/٤٥٤٤– ۲۱۷غ٤ب آ ۱ آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

کشــور ارســال می‌دارد و در آن از ضبط یک صفحه غیر اخلاقی خبر می‌دهد. محتوای این صفحه مربوط به اجرای شــیخ کرناســت. وی از بازیگران کمدی دربار قاجار بود و در ضبط های ۱۹۲۸ شرکت کلمبیا در تهران ۸ اثر را روی چهار صفحه ضبط نمود.[۱] آثار کمدی وی فقط شامل متن کمدی نمی‌شود، بلکه نحوه به کار گرفتن از موسیقی نیز جنبه کمدی دارد که در اثر« شیخ علی سیف الشریعه» به خوبی نمایان است. اثر جمع‌آوری شده در فارس قطعا متعلق به یکی از همین آثار ضبط شده است.

صفحه و قانون مطبوعات ایران

همان‌طور که در بخش‌های قبلی اشاره شد، متولی صنعت ضبط در ایران از ابتدا نهادهای امنیتی بودند و صفحه بیشــتر از آنکه به عنوان یک شــی فرهنگی نگریسته شود، به عنوان وسیله‌ای که می‌تواند امنیت ملی را به خطر بیندازد، نگریســته شــد. در سال ۱۳۱۵ برای اولین بار شــاهد ورود وزارت معارف به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای فرهنگی کشــور، به موضوع صنعت ضبط هستیم. بر اساس اسناد موجود، بخش مطبوعات و انطباعات وزارتخانه طی نامه‌ای به وزیر وقت، علی اصغر حکمت، خواستار دخالت وزارت معارف در موضوع صنعت ضبط می‌شــود و در این راســتا پیشنهاد می‌دهد که صفحه‌های گرامافون مشمول قانون مطبوعات وقت شوند. (تصویر ۷)[۲] در این نامه چهار پیشنهاد مطرح می‌شود که در تصویر سند نیز قابل رؤیت اســت. در دو پیشــنهاد اول این موضوع مطرح می‌شود که طی ضبط شرکت‌های خارجی در ایران علاوه بر نمایندهٔ شــهربانی، نماینده‌ای نیز از وزارت معارف باید حضور داشــته باشــد و همچنین شرکت‌های خارجی که قصد انجام ضبط در ایران دارند، علاوه بر دریافت اجازه از شــهربانی، باید مجوزی نیز از وزارت معارف کســب کنند. این دو پیشــنهاد اول، حاوی نکتهٔ جدیدی نیستند و در واقع وزارت معارف اختیاراتی موازی با اختیارات پلیس در مورد صنعت ضبط خواســتار شد. در دو پیشنهاد بعدی، وزارت معارف تشکیل یک آرشیو از صفحه‌های گرامافون را هدف گرفته است. در ابتدا خواستار تحویل دو نمونه از همهٔ صفحه‌های وارداتی توســط یک شــرکت به این وزارتخانه شده و در ادامه پیشــنهاد تحویل دو نمونه از کلیه صفحاتی را که آن شرکت در اختیار دارد را مطرح می‌کند. این دو پیشنهاد آخر در برگیرندهٔ نگاه فرهنگی نسبت به مقولهٔ صنعت ضبط در ایران است که در انتهای نامه نیز پدیدار می‌شود، آنجا که نگارنده تشکیل چنین آرشیوی را نمودار تحولات فکری و اجتماعی ایران معاصر قلمداد می‌کند.

به نظر می‌رسد این پیشنهادها عملی نشدند، چرا که در اسناد موجود، اثری از تحقق این پیشنهادها یافت نمی‌شود، اما به هر حال این نکته قابل توجه است که اهمیت ورود وزارت معارف به مقولهٔ صنعت ضبط در بخش‌هایی از این وزارتخانه کاملاً احساس شد، گرچه این اتفاق خیلی دیر به وقوع پیوست. این موضوع با بررسی دوره‌های ضبط در دورهٔ پهلوی اول بیشتر مشخص می‌شود:

---

۱. امیر منصور، *دیسکوگرافی شیخ کرنا*، صفحه سنگی شماره ۲ (۱۳۸٤):۱٦.

۲. سند شماره ۲۹۷/۱۱۱۵۹– ۱۱۲ح۵ آ پ ۱ آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

۱. ۱۹۲۶: ضبط توسط شرکت گرامافون در تهران با لیبل His Master‘s Voice .
۲. ۱۹۲۷: ضبط توسط شرکت‌های Polyphon و Odeon در تهران.
۳. ۱۹۲۸:ضبط توسط شرکت‌هایColumbia ،(Gramophone (His Master‘s Voice وPathe در تهران.
۴. ۱۹۲۹: ضبط توسط شرکت‌های Gramophone (His Master‘s Voice) دو دوره وPolyphon یک دوره در تهران.
۵. ۱۹۳۰: ضبط توسط شرکت Baidaphon در تهران.
۶. ۱۹۳۲: ضبط توسط شرکت Parlophon در تهران.
۷. ۱۹۳۳:آخرین ضبط در ایران پیش از آغاز جنگ جهانی دوم توسط شرکت‌های Gramophone (His Master‘s)، Columbia در تهران.
۸. ۱۹۳۶: ضبط آثاری از موسیقی ایرانی در حلب و بیروت توسط شرکتSodwa
۹. ۱۹۳۷: ضبط آثاری از موسیقی ایرانی در برلین توسط شرکتOdeon
۱۰. ۱۹۳۹: ضبط آثاری از موسیقی ایرانی در حلب توسط شرکتSodwa. و در بغداد توسط شرکت Neayemrecord

آخرین ضبط شرکت‌های تولید صفحه در سال ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) در تهران رخ داد، در حالی‌که این پیشنهاد سه سال بعد در سال ۱۳۱۵ مطرح شد. در دورانی که صنعت ضبط ایران به لحاظ بحران مالی جهانی در اواخر دهه ۲۰ میلادی و تبعات آن، وارد دوران رکود شده بود و غیر از چند سفر خارجی توسط موسیقی‌دانان ایرانی، اثر دیگری از موسیقی ایرانی ضبط نشد و صنعت ضبط بیشتر شامل ورود صفحه‌های خارجی به ایران شده بود، چه بسا اگر این پیشنهاد ده سال زودتر عملی می‌شد، بسیاری از ابهام‌های دیسکوگرافی موسیقی ایران برطرف می‌گشت.

بر اساس مقررات وضع شده، همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، باید نگاه حکومت پهلوی اول به صنعت ضبط را نگاه امنیتی و کنترلی دانست. این کنترل اما تمرکزش بر متن آثار ضبط شده و موسیقی‌دانان ضبط‌کننده بود و خیلی ساختار موسیقایی را مورد توجه قرار نمی‌داد. اسناد موجود، موردی را راجع به جلوگیری از ضبط موسیقی‌دانی به واسطهٔ عقاید سیاسی، مذهب و نژادشان نشان نمی‌دهد، ولی با بررسی‌هایی که انجام شد، اگر گرایش کمونیستی یا سوسیالیستی در مورد موسیقی‌دانی اثبات می‌شد، به احتمال قریب به یقین از ضبط او جلوگیری می‌شد. در مورد اقلیت‌های مذهبی و حضور آنها در صنعت ضبط، می‌توان گفت که در دورهٔ پهلوی اول فضای آزادی حاکم بود، اما در مورد ضبط آثار از اقوام غیر فارس با محتوای غیر فارسی، نگارنده نیاز به تحقیق بیشتری دارد.

در صنعت ضبط این دوره، ساختار موسیقایی مورد سانسور واقع نشد، اما در حوزهٔ آموزش، این سانسور به وقوع پیوست. غلام‌حسین مین باشیان در سال ۱۳۱۳ مدیر هنرستان موسیقی شد؛ وی که تحصیل کرده رشته ویلن در آلمان بود، اصولاً به موسیقی ایرانی اعتقادی نداشت. مین‌باشیان در مورد موسیقی ایرانی

چنین می‌گوید: «هر شـخص غیر متعصب که از موسیقی علمی خبر دارد، تصدیق می‌کند و حس می‌نماید که تار ، تنبک و کمانچه، همان‌طور که شـتر به پای راه آهن نمی‌رسـد، قدرت برابری با موسـیقی غربی را ندارد».[1] بر اسـاس همین دیدگاه بود که وی تدریس موسـیقی ایرانی را از برنامه هنرستان حذف کرد و به تدریس موسـیقی کلاسـیک اروپایی اکتفا نمود. این رویداد، نمونهٔ خوبی از اجرای سیاست سانسور در مورد ساختار موسیقی و سازهای موسیقی در دورهٔ پهلوی اول محسوب می‌شود.

نظـــامنـــامه

مقررات ضبط صوت در صفحات گرامافون

تألیف و پیشنهادی سرتیپ محمد خان درگاهی

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

معروضه هیئت محترم وزراء عظام

مورخه ۱۶ اردی بهشت ۱۳۰۷

بمناسبت ازدیاد گرامافون در ایران و اینکه اخیراً بعضی اشخاص تمایل مفرطی بخریداری آن پیدا کرده و وسیلهٔ سرگرمی خود قرارداده مبادرت باین عمل نمایند و گنجینهای جدیدالورود برای انجام مقاصد خود متوسل بهر طبقه از طرفی موسیقی دان های درجه اول که صفحه پر کرده اند متعهد شده اند تامدت معینی دیگر در خارج به طرز نا مطلوبی جلوه نماید و از ... می شدند محل نگرانی بود که موسیقی ایران آنچنانکه در فن موسیقی مهارت داشتند انتخاب ابتدای امر خوانندهٔ نوازندگان درجهٔ اول در صدد تهیه صفحه می باشند و نظر اینکه در تاکنون بایران آمده صفحاتی برداشته و باز هم ... اند و در عقب آن کمپانی های متعدد ازخارج

تصویر شماره ۱

۱. سپنتا، ساسان، چشم *انداز موسیقی ایران*، تهران، ۱۳۶۹، ص۱۶۳.

اشخاص شده اند و اخیراً هم شخصی از اهالی
ـام به طهران آمده با داشتن سمت نمایندگی
کمپانی یوکاتون درصدد است بعضی اشخاص را
برای پر کردن صفحه کنترات نموده بخارج ایران
ببرد و از آنجائیکه اداره نظمیه بپاره جهـات
بایستی از مجـلس هر قسم صوت موسیقی و
اشعاریـکه در صفحات خوانده می شود کاملا
مستحضر بوده و نظارت داشته باشد و کنترل
اشخاص نیز در خارج مملکت هم خالی ازاشکال
نیست لذا کلیه نمایندگان کمپانی های گرامافون
و آرتیست هـا را برعایت مواد ذیل مکلف و

ادارات و دوائر نظمیه های مربوط مملکتی را
باجرای آن موظف مینماید .

ماده ۱ — کلیهٔ نمایندگان کمپانیها قبل از
هر اقدام باید برای ارائه اسنـاد نمایندگی و
معرفی خود و آرتیست ها جهت تحصیل اجازه
نامهٔ مخصوص و استحضار از شرایط مقرره به
اداره نظمیه محل مراجعه و کتباً متعهد شوند
که صفحات را برطبق این شرایط پر نمایند

ماده ۲ — در هیچ موقع صفحـاتی بدون
اطلاع و حضور نمایندهٔ اداره نظمیه پر نکرده
وباآرتیست های غیر مجاز کنترات منعقد ننمایند

ماده ۳ — در کنتراتی که بین نمایندگان کمپانیها و آرتیست ها منعقد و بادارهٔ نظمیه ارائه میشود باید اسم دستگاه آواز تعیین و اشعاری که در آواز ها یا تصنیف خوانده میشود عیناً ضمیمه و هویت کامل اشخاصی که صفحه پر می کنند باذکر اسم ـ اسم خانواده ـ شغل ـ قید گردد تادر کنترول آن اشکالی برای کار کنان اداره نظمیه فراهم نشود ـ

ماده ٤ — پس از انعقاد کنترات اداره نظمیه را ازپروگرام ایامی که صفحه پرمی شود با ذکر روز وساعت و محل مشروحاً مستحضر نمایند

ماده ٥ — در صورت تخلف از مقررات فوق صفحاتی که بدون اطلاع تهیه شده است ضبط و متخلفین برای مجازات بمحکمه صالحه تسلیم خواهند شد

لازم است نظمیه های کلیه ایالات وولایات لدی الاقتضاء بمراتب مذکوره در فوق عمل نموده و مراتب را راپورت دهند

طهران ـ مورخه ١٦ اردی بهشت ماه ١٣٠٧

محل امضاء مهدیقلی و مهر ریاست وزراء

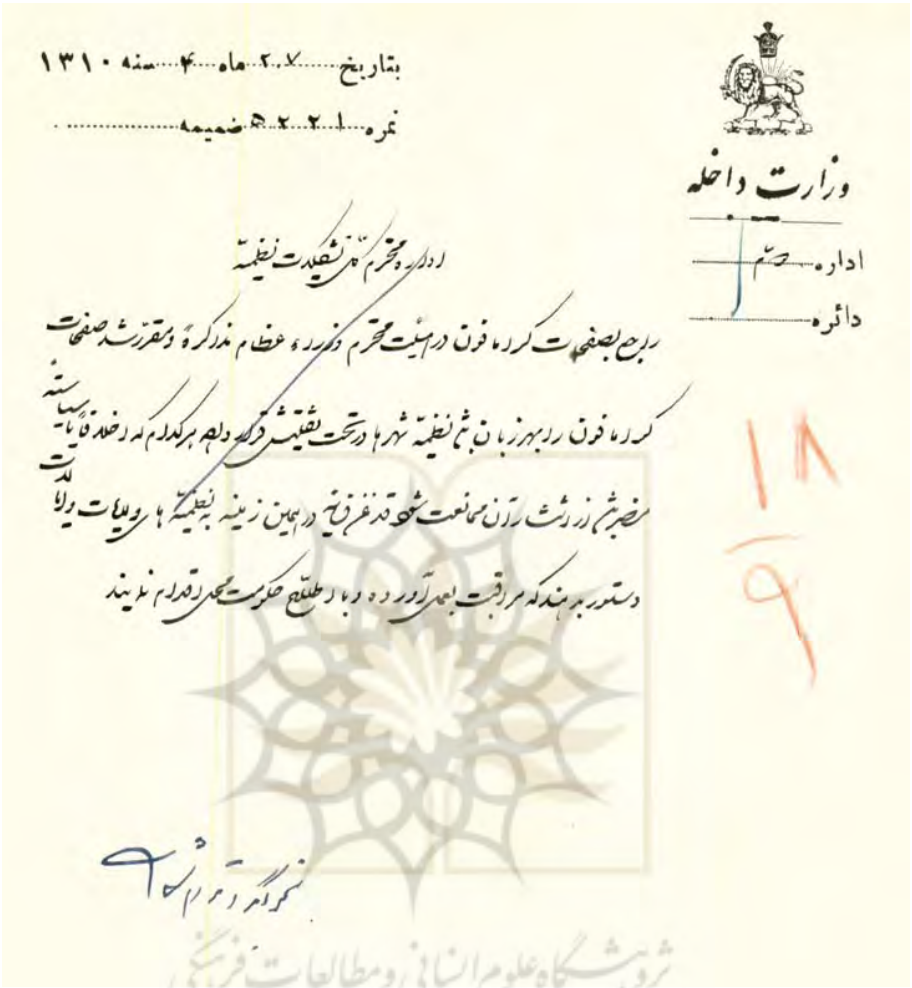

وزارت داخله
اداره
دائره
بتاریخ ۲۷ ماه ۴ سنه ۱۳۱۰
نمره ۵۲۲۱ ضمیمه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تصویر شماره ۲

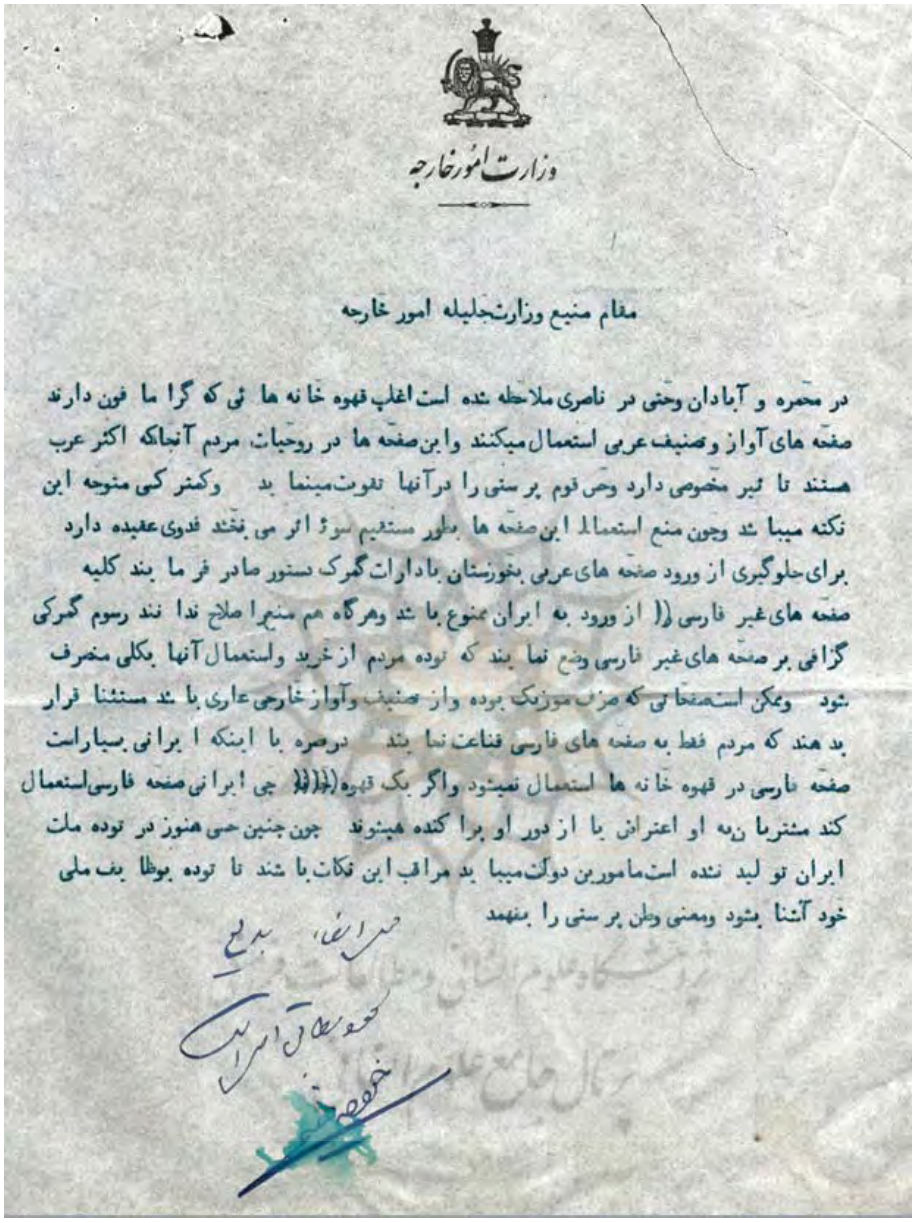

وزارت امور خارجه

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

در محمره و آبادان وحتی در ناصری ملاحظه شده است اغلب قهوه خانه هائی که گرامافون دارند صفحه های آواز وتصنیف عربی استعمال میکنند واین صفحه ها در روحیات مردم آنجاکه اکثر عرب هستند تا ثیر مخصوصی دارد وحس قوم پرستی را درآنها تقویت مینماید وکمتر کسی متوجه این نکته میباشد وچون منع استعمال این صفحه ها بطور مستقیم سوء اثر می بخشد فدوی عقیده دارد برای جلوگیری از ورود صفحه های عربی بخوزستان باداارات گمرک دستور صادر فرمایند کلیه صفحه های غیر فارسی ((از ورود به ایران ممنوع باشد وهرگاه هم صنیرا صلاح ندانند رسوم گمرکی گزافی بر صفحه های غیر فارسی وضع نمایند که توده مردم از خرید واستعمال آنها بکلی منصرف شود وممکن است صفحاتی که مزاج موزیک بوده واز تصنیف وآواز خارجی عاری باشد مستثنا قرار بدهند که مردم فقط به صفحه های فارسی قناعت نمایند درصورتیکه با اینکه ایرانی بسیاراست صفحه فارسی در قهوه خانه ها استعمال نمیشود واگر یک قهوه (( )) چی ! ایرانی صفحه فارسی استعمال کند مشتریان به او اعتراض یا از دور او پراکنده میشوند چون چنین حسی هنوز در توده ملت ایران تولید نشده است مامورین دولت میباید مراقب این نکات باشند تا توده بتوانند بیشتر حس ملی خود آشنا بشوند ومعنی وطن پرستی را بفهمند

تصویر شماره ۳

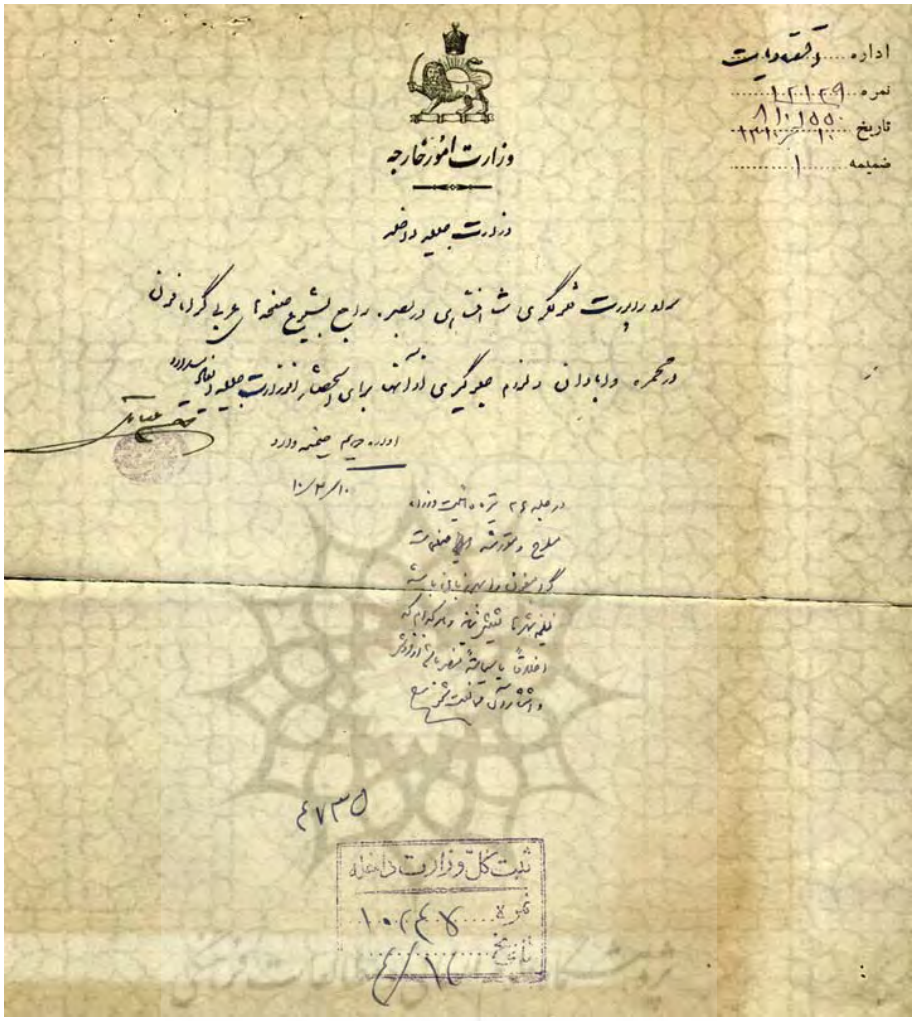
اداره ... وکالت و دیانت
نمره ... ۱۲۰۱۰۹
تاریخ ... ۱۰/۱۰/۱۳۱۰
ضمیمه ... ۱

وزارت امور خارجه

وزارت جلیله داخله

۴۷۳۵

ثبت کل وزارت داخله
نمره ... ۱۰۰۴۸
تاریخ ... ۱۰/۱۰/۱۳۱۰

پرتال جامع علوم انسانی

تصویر شماره ٤

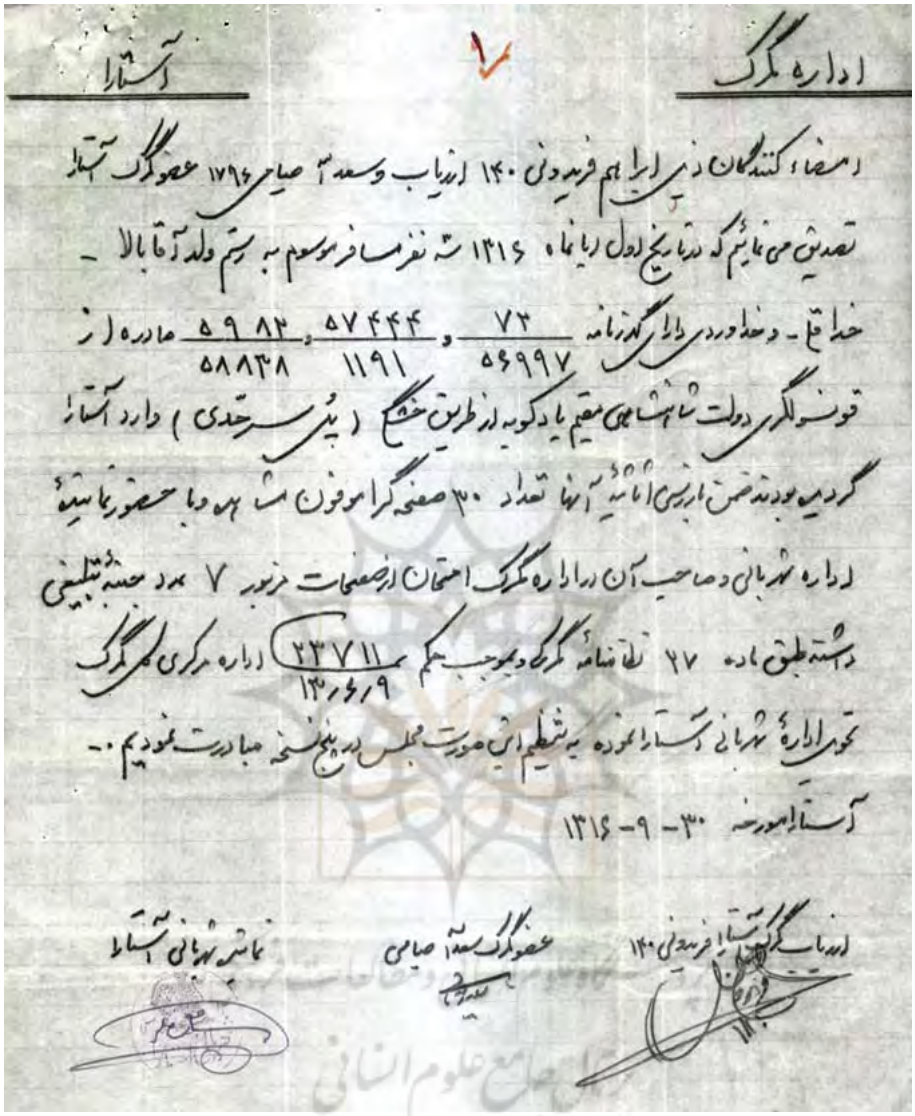

اداره گمرک
آستارا

۷

امضاء کنندگان ذیل ابراهیم فریدونی ۱۴۰ اردبیاب و سعدا... صیامی ۱۷۹۶ عضو گمرک آستارا
تصدیق می نمائیم که در تاریخ اول ریا ماه ۱۳۱۶ شه نفر مسافر موسوم به رستم ولد آقا بالا
خداقلی - وحدود دارای گذرنامه ۷۲ / ۵۶۹۹۷ و ۵۷۴۴۴ / ۱۱۹۱ و ۵۹۸۲ / ۵۸۸۴۸ عازم ایران
قونسولگری دولت شاهنشاهی مقیم یادکوبه از طریق خشکی (پُست سرحدی) وارد آستارا
گردیده بودند ضمن ارزیابی اثاثیه آنها تعداد ۳۰ صفحه گرامافون مشهود و با حضور نماینده
اداره شهربانی دو صاحب آن در اداره گمرک امتحان از صفحات مزبور ۷ عدد جهت تبلیغ
داشته طبق ماده ۶۷ نظامنامه گمرک و بموجب حکم نمره ۲۳۷۱۱ / ۱۳۰۶۹ اداره مرکزی گمرک
نحوی اداره شهربانی آستارا نموده به تشخیص این صورت مجلس در پنج نسخه صادرت نمودیم -
آستارا مورخه ۳۰-۹-۱۳۱۶

اداره گمرک آستارا ابراهیم فریدونی ۱۴۰
عضو گمرک سعدا... صیامی
نماینده شهربانی آستارا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تصویر شماره ۵

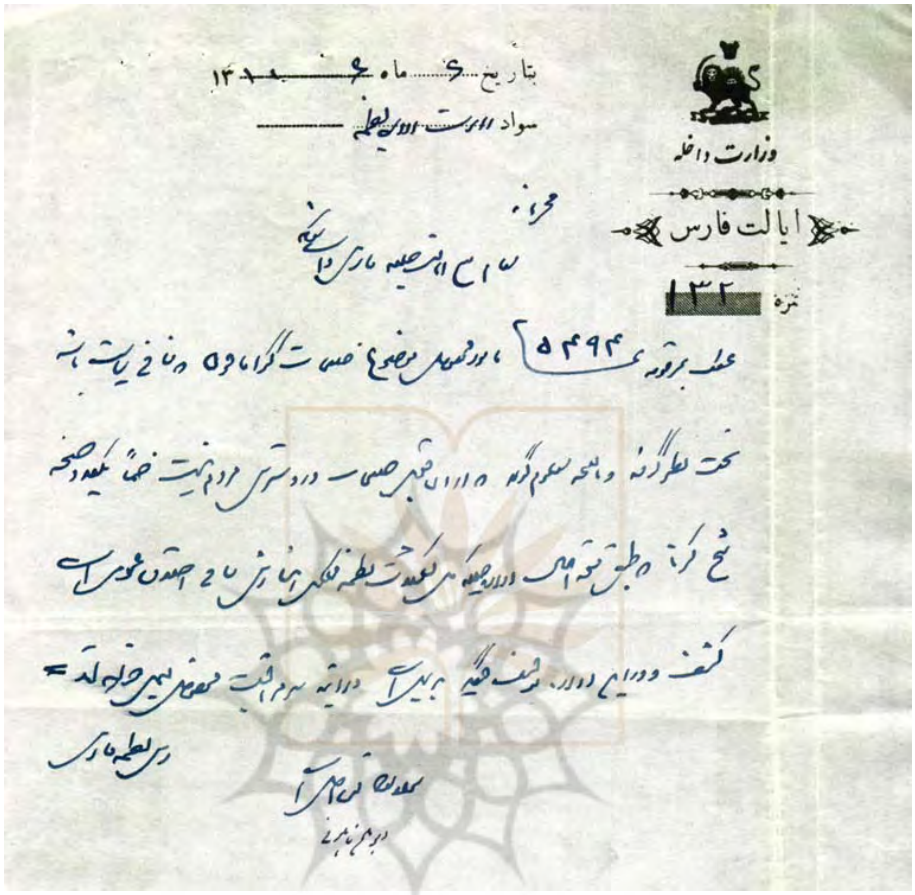
وزارت داخله
ایالت فارس
نمره ۱۳۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تصویر شماره ٦

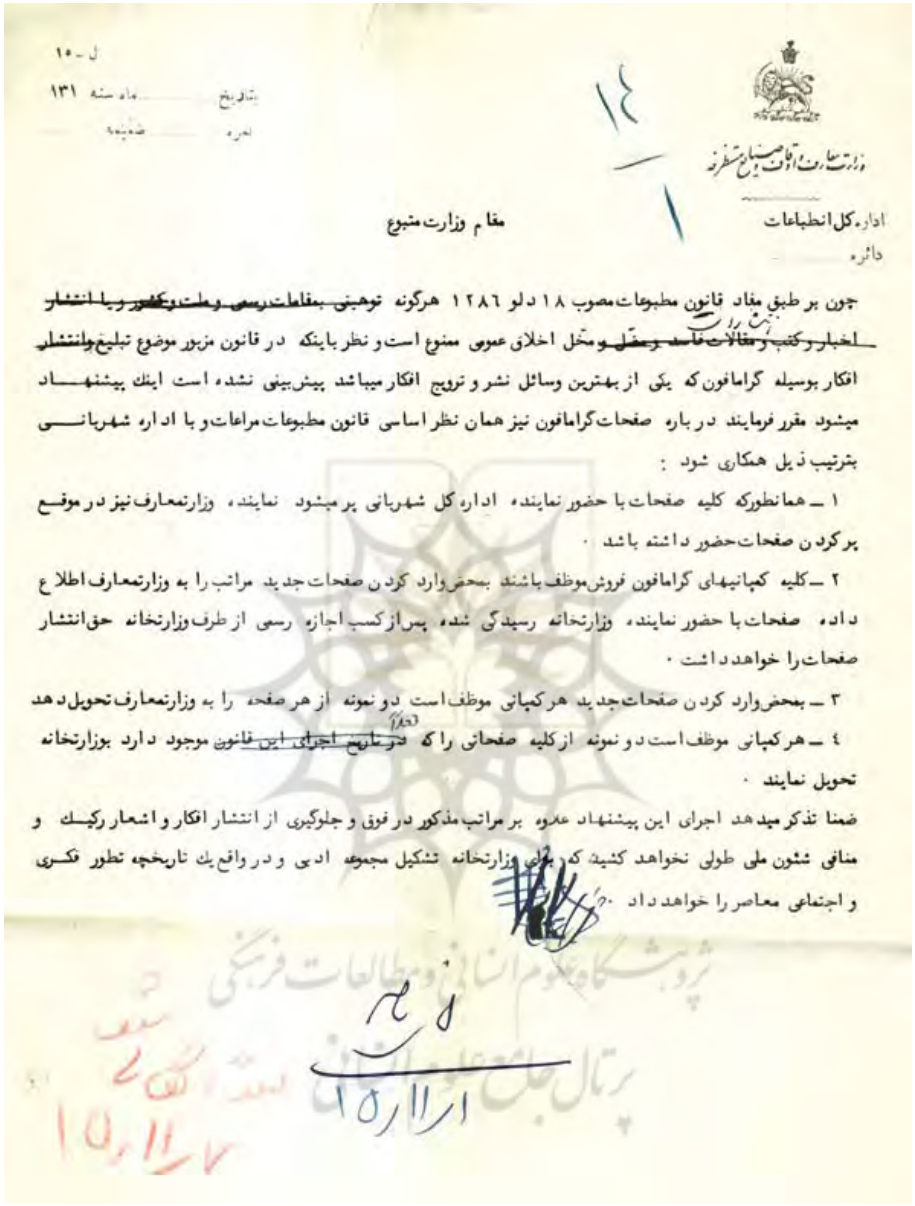

ل - ۱۰

تاریخ ماه سنه ۱۳۱

نمره ضمیمه

وزارت معارف اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره کل انطباعات

دائره

مقام وزارت متبوع

چون بر طبق مفاد قانون مطبوعات مصوب ۱۸ دلو ۱۲۸۶ هرگونه توهین بمقامات رسمی و ملت و کشور و یا انتشار اخبار و کتب و مقالات فاسد و مخل و مخل اخلاق عمومی ممنوع است و نظر باینکه در قانون مزبور موضوع تبلیغ و انتشار افکار بوسیله گرامافون که یکی از بهترین وسائل نشر و ترویج افکار میباشد پیش‌بینی نشده است اینك پیشنهاد میشود مقرر فرمایند در باره صفحات گرامافون نیز همان نظر اساسی قانون مطبوعات مراعات و با اداره شهربانی بترتیب ذیل همکاری شود :

۱ ــ همانطورکه کلیه صفحات با حضور نماینده اداره کل شهربانی پر میشود نماینده وزارتمعارف نیز در موقع پر کردن صفحات حضور داشته باشد .

۲ ــ کلیه کمپانیهای گرامافون فروش موظف باشند بمحض وارد کردن صفحات جدید مراتب را به وزارتمعارف اطلاع داده صفحات با حضور نماینده وزارتخانه رسیدگی شده پس از کسب اجازه رسمی از طرف وزارتخانه حق انتشار صفحات را خواهد داشت .

۳ ــ بمحض وارد کردن صفحات جدید هر کمپانی موظف است دو نمونه از هر صفحه را به وزارتمعارف تحویل دهد

٤ ــ هر کمپانی موظف است دو نمونه از کلیه صفحاتی را که در تاریخ اجرای این قانون موجود دارد بوزارتخانه تحویل نمایند .

ضمنا تذکر میدهد اجرای این پیشنهاد علاوه بر مراتب مذکور در فوق و جلوگیری از انتشار افکار و اشعار رکیك و منافی شئون ملی طولی نخواهد کشید که برای وزارتخانه تشکیل مجموعه ادبی و در واقع یك تاریخچه تطور فکری و اجتماعی معاصر را خواهد داد .

۱۵/۱۱/۱۷

۱۵/۱۱/۱۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تصویر شماره ۷